



### معرفی مقالات واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی (۱۳۱۴-۱۳۲۳)

مهنوش نشاط‌مینی تهرانی و فرزانه سخایی (اعضای هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

۱) [فروغی، محمدعلی] (۱۳۱۴)، «خطابه آقای رئیس‌الوزراء در دانشکده معقول»،  
[موضوع سخنرانی: فرهنگستان چیست]، ارمغان، س ۱۶، و ش ۷، صص ۵۰۳-۵۱۲،  
ش ۸، ص ۵۹۳-۶۰۴.

در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ سلسله سخنرانی‌هایی در دانشکده معقول و دانشکده حقوق و علوم سیاسی برای «عموم فضلا و دانش‌پژوهان» برگزار می‌شده است. استاد بدیع‌الزمان فروزانفر پیش از ایراد خطابه آقای محمدعلی فروغی، ضمن قدردانی از ایشان گفته است: دانشکده از رئیس‌الوزراء، محمدعلی فروغی، دعوت کرده است تا درباره «فرهنگستان» سخنرانی کنند، زیرا «فرهنگستان یک چیز تازه‌ای است که در کشور تأسیس گردیده است و هر شیئی را حکما باید تعریف کنند.»

فرهنگستان چیست؟ زبان و ادبیات و آنچه در مجموع فرهنگ می‌گوییم باید کاملاً ایرانی باشد، زیرا هویت ما بسته به آن است. وسیله حصول به فرهنگ عالی مؤسسات معارفی است، یعنی دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و به‌خصوص انجمن فرهنگستان.

اصل مقصود از فرهنگستان به دست دادن راه اصلاح و تکمیل زبان و ادبیات ایرانی

است و این کار بهترین وسیله برای جلوه‌گر کردن فرهنگ اختصاصی این ملت است. درباره فرهنگستان اشتباهاتی شده است؛ برخی آن را «کارخانه لغت‌سازی» و برخی آن را عامل پاک کردن زبان فارسی از الفاظ عربی دانسته‌اند. این تصورات به کلی بی‌جا هم نیست، اما با حقیقت قدری تفاوت دارد.

**نقص و عیب زبان فارسی چیست؟** این است که زیاده از شش صد سال است متروک و مهجور شده، بلکه بدتر، یعنی به دست نااهل افتاده و سلیقه‌های کج و معوج در آن به کار رفته است. حاصل اینکه زبان فارسی برای ادای معانی و مطالبی که امروز محل حاجت است کاملاً وافی نیست و ادبیات جدید ایرانی طبع ارباب ذوق کنونی را خرسند نمی‌سازد.

**چند کلمه در باب زبان.** زبان فارسی ما به‌حمدالله زنده است چون ملت ایران زنده است و انشاءالله زنده خواهد بود. این زبان به همین دلیل که زنده است، معرض تغییر و تحول است. تغییر و تحول زبان‌ها بعضی در تلفظ و لهجه است، بعضی نسبت به خط و املا است، بعضی مربوط به قواعد زبان است، بعضی راجع به الفاظ و اصطلاحات. مراقبت در حسن جریان کلیه این احوال در زبان فارسی در آینده وظیفه فرهنگستان است، ولیکن از گذشته نیز نمی‌توان غافل بود. استیلای عرب در ایران یکی از اسباب و عللی بود که در زبان فارسی تحول کلی داد. زبان فارسی از حیثیت و اعتبار افتاد، زیرا رجال و بزرگان و کلیه مردمان معتبر یا عرب بودند یا اجباراً یا به‌اختیار عرب‌نما می‌شدند، چنانکه تقریباً سی صد سال به زبان فارسی چیزی نوشتند. تحول زبان فارسی در اوایل امر به‌طور طبیعی و شاید بتوان گفت به‌اندازه ضرورت واقع شد؛ متأسفانه گویندگان و نویسندگان ما به این اندازه اکتفا نکردند و به راه افراط رفتند. معدودی هم که فارسی نوشتند، در مخلوط کردن فارسی به عربی چنان مبالغه کردند که فارسی آنها از عربی عربی‌تر شد. این روش در مائه هفتم و هشتم هجری به درجه کمال رسید و دنباله آن بریده نشد مگر وقتی که ایرانی‌ها همان حالتی را که نسبت به عرب و عربی داشتند، نسبت به اروپایی‌ها پیدا کردند و در مقابل افراط سابق، تفریطی از جهت دیگر پیش آمد.

منقصت مهم زبان فارسی کنونی هم این است که برای ادای معانی و مطالبی که امروز محل حاجت است، به درستی وافی نیست، چرا که در ظرف چهارصدسال اخیر علم و معرفت و صنعت در نزد اروپاییان ترقیات فاحش کرده و ما ایرانی‌ها زبان خود را برای بیان آن مطالب

و پروراندن آن معانی نورزیده و آماده نساخته‌ایم و این تکلیف سنگینی است که بر عهده ایرانی‌های این دوره است و در این باب هم فرهنگستان باید دستگیری به‌سزا بنماید. موقع را مغتنم شمرده، بعضی سوءتفاهم‌ها را که ممکن است در این مسائل دست دهد، جلوگیری کنیم. از جمله سوءتفاهم‌ها این است که به عملی که ما در پیش داریم، یعنی تصفیه و اصلاح زبان، نه رنگ سیاسی باید داده شود، نه رنگ دیانتی و مذهبی. شبهه دیگری که باید رفع کرد این است که اقدام ما در اصلاح و تکمیل زبان فارسی مستلزم این نیست که الفاظ خارجی را به کلی از زبان خودمان خارج کنیم یا زبان‌های متروک باستانی را زنده کنیم. پس مقصود رفع عیبی است که اشاره کردم، یعنی جلوگیری از افراط و اسراف در استعمال بی‌جای الفاظ و عبارات خارجی. آنچه می‌خواهیم ترک کنیم الفاظ و عبارات بیگانه‌ای است که حقیقتاً به آنها محتاج نیستیم و مخصوصاً نظر داریم و سعی خواهیم بود که شیوه زبان و بیان فارسی را حفظ کنیم.

چند کلمه در باب ادبیات و پایان سخن. لفظ ادبیات هر چند اصلاً عربی است، ما ایرانی‌ها آن را در این چهل پنجاه سال اخیر اختراع کرده‌ایم و پیش از آن ادب و علم‌الادب می‌گفتند و آن عبارت بود از علم لغت عرب و معرفت بر نظم و نثر آن. ما اولاً علم ادب را منحصر به عربیت نمی‌دانیم، ثانیاً اینکه ادبیات را تنها عبارت از قواعد زبان نمی‌دانیم، بلکه قواعد را مقدمه ادبیات می‌پنداریم و ادبیات حقیقی را عبارت می‌دانیم از مجموع آثار قلمی گویندگان و نویسندگان فصیح بلیغ خوش‌بیان در نظم و نثر، به شرط آنکه متضمن فایده باشد و اثری بر آن مترتب شود، یعنی در علم و حکمت و معرفت و اخلاق و سیاست و ترقیات و عواطف و کلیه روحانیت انسان تأثیری بیخشد، در عین اینکه وسیله تفنن و تلذذ روحانی نیز باشد. مقصودم این نیست که زبان عربی را به کلی متروک بداریم؛ ادبیات عرب به‌منزله ادبیات لاتین است برای اروپایی‌ها و بنابراین باید گفت بدون عربیت ادبیات [ما] ناقص خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، زبان عربی، ادبیات

۲) [سلطانی، سلطان‌علی] (۱۳۱۵)، «برای جلب توجه فرهنگستان»، مهر، س ۴، ش ۹،

صص ۸۶۵ - ۸۸۵

اینجانب در خط نویسندگی و تحقیق نیست، ولی به شوق خدمت به زبان میهن خود چند

لغتی که به خاطر رسید مناسب‌ت دارد عرضه نماید دریغ از اظهار و تقدیم پیشنهاد نکرد. و پس از آن چند انتقاد، به قصد بهین‌برگزیدن، نه خرده‌گیری.

برخی از پیشنهادها، بر اساس بررسی متون و مآخذ کهن: راز شهری (شهر به معنی کشور)، به‌جای دائرة رمز و رازدار یا رازبان، به‌جای مدیر رمز؛ در اعضا بدن: زهره، به‌جای مراره؛ گرده، به‌جای کلیه؛ زهدان، به‌جای رحم؛ نای‌گلو به‌جای حلق؛ در نام بیماری‌ها: درد شش به‌جای ذات‌الریه؛ کاهش به‌جای سل؛ در نام داروها: دارو به‌جای دوا؛ زاک یا ژاک به‌جای زاج؛ در اصطلاحات فیزیکی: تندر به‌جای رعد؛ کمان رستم به‌جای قوس و قزح؛ در تاریخ طبیعی: چرندگان به‌جای حیوانات غیر درنده؛ درندگان به‌جای حیوانات درنده؛ جنبندگان به‌جای حشرات؛ در طبقات ملت: بازرگانان یا سوداگران به‌جای تجار؛ در موضوعات گوناگون: پشتواره به‌جای مطلق ظرفیت؛ بادبان به‌جای شراع.

ثعالبی نیشابوری در کتاب نفیس یتیمه‌الدهر قسمتی از قصیده ساسانیه ابودلف مسعر، سیاح معروف عرب، را نقل کرده است. در این قصیده لغات فارسی چندی استعمال کرده که بعضی از آن لغات در فرهنگ‌ها دیده نمی‌شود، مانند برکک به معنی دندان‌کش و طبیب دندان و «برگوش» به معنی غیگو و دستکار به معنی جراح و کحال. باید این گونه گفته‌ها و آثار را مورد تحقیق قرار داد و لغات فارسی را از متون کتب عربی التقاط نمود. با دلایل مزبور پیشنهاد می‌نماید دستکار در فرهنگستان تصویب شود، و چنانچه مقتضی دانند به‌جای کحال «چشم‌پزشک» تصویب فرمایند.

و بهین‌برگزینی‌ها یا انتقادها درباره برخی مصوبات:

- ملوان به‌جای ملاح عربی: ملوان همان ملاح عربی است که با -ان فارسی جمع بسته شده است، چنانکه در بهبهان و کهگلویه نیز به شنا «مله» می‌گویند. بهتر است به پیروی از زمخشری و قاضی شبیبانی و ابوالحماد غزنوی و دیگر شعرا از لفظ «کشتی‌بان» استفاده شود. شیخ شیراز این لغت را در معنای ناخدا آورده، ولی استعمال ایشان حجت قاطع است که واژه از لغات مهجوره نیست. پس کشتی‌بان که در اصطلاحات کنونی هم نظیره مانند دژبان دارد تصویب شود.

- کارپردازی به‌جای اداره مباشرت، بالآخر اداره مباشرت ارتش: زمخشری و خواجه نظام‌الملک.

رزق و وظیفه و ماهانه را که به خدام و چاکران و بهای جیره و جامه دهند، «جامگی» خوانده‌اند. به دو دلیل بهتر است از جامگی استفاده شود، یکی اینکه این لغت از برای ادارهٔ مباشرت در قدیم بوده است و دوم از اوائل تأسیس قونسولگری‌های ایران در خارجه به قونسولخانه «کارپردازی» گفته می‌شد و این معنی را نمی‌توان از اذهان زدود.

- دامپزشک به‌جای بیطار: دام تنها به‌معنی حیوانات اهلی در آثار فارسی نیامده و هر جا آمده با «دد» همراه بوده است. از سوی دیگر، زمخشری بیطار را «بجشک‌ستور» ترجمه کرده؛ ستور به مطلق چارپایان اطلاق می‌شود. علاوه بر اینکه پیشینیان ما این لغت دام را ضبط نکرده‌اند، یک معنی خیلی معروفی دارد که بیشتر آن به ذهن متبادر می‌شود، پیشنهاد می‌نماید به‌جای بیطار و دامپزشک، «ستور پزشک» تصویب نمایند.

- چاپخانه به‌جای مطبعه و چاپ به‌جای طبع: چاپ لغتی چینی است و به‌توسط مغول‌ها به ایران آمده است. چاپ و طبع هر دو بیگانه است، اما طبع از لغتی است که با زبان فارسی روابط فراوان دارد، عجالتاً بدین جهت ترجیح دارد و مطبعه نیز از چاپخانه کوتاه‌تر است.

- بازرسی و وارسی به‌جای تفتیش و بازرس به‌جای مفتش: بازرس یک واژهٔ ساختگی است و در فرهنگ‌های معروف ضبط نشده است. اگر به‌معنایی که صاحب جهانگیری نوشته قبول کنیم و باز را به‌معنی جدا و ممتاز بدانیم، برای ممیزی و ممیز بهتر است بازرسی و بازرس استعمال شود. تفتیش به‌معنی سؤال کردن و بحث نمودن و جستن و کاویدن است و باید واژه‌های جانشین لغت تفتیش شود که مجموع این معانی در آن بوده یا لاقلاً قسمت عمدهٔ این معانی را دارا باشد و گذشتگان ما استعمال کرده باشند و آن هم تبدیل به بهتر و آسان‌تر و کوتاه‌تر شود، نه به مشکل‌تر و درازتر، مانند زفیر و شهیق و تنظیف که به «دم برآوردن» و «دم‌فروکشیدن» و «رفت‌وروب» مبدل گردیده که هر کدام چند حرف اضافه دارد و لغت به واژه تبدیل نشده، به جمله مبدل گردیده است. محال است دم بر آوردن که سه لغت است و نه حرف، جای زفیر که سهل‌التلفظ و چهار حرف است بگیرد. کتاب لغت تاج‌المصادر تفتیش را به واژه‌پوهیدن

ترجمه کرده، «وا» در اینجا به معنی دیگر نیست و معنی «با یا به یا بر» دارد. پس پیشنهاد می‌نماید «پژوهندگی» به جای عمل تفتیش، «پژوهش» به جای اداره تفتیش یا بازرسی، «پژوهیدن» به معنی مطلق تفتیش و «پژوهنده یا پژوه» به جای مفتش یا بازرس تصویب شود.

در خاتمه معروضات پیشنهادی خود متذکر می‌شود باید فرهنگستان خیلی سریع لغات فارسی نقاطی که دست حوادث روزگار و استیلای عرب و هجوم مغول کمتر صدمه بر آنها وارد کرده جمع‌آوری و لغت فارسی را از این رهگذر غنی سازد. لغت ملتی که چند هزار سال سلطنت کرده و جهان‌بان بوده و تمدن داشته، هرگز فقیر نیست.

کلیدواژه‌ها: واژه‌گزینی، معادل‌یابی، نظرخواهی.

۳ [وثوق‌الدوله، حسن] [۱۳۱۶)، «فرهنگستان ایران»، ارمغان، دوره ۱۸، ش ۵، صص ۳۵۳-۳۷۳.

قبل از آنکه به اصل موضوع که راجع به فرهنگستان ایران است وارد بشویم، به نظر مناسب آمد اشاره بسیار مختصری راجع به اصلاح زبان به عرض برسانم.

در علم روان‌شناسی زبان عبارت است از مجموع علائم و نشان‌هایی که حالات نفسانی آدمی را آشکار می‌سازد. زبان هر قدر از حیث علائم و اشارات و ترکیبات آنها که منشأ ایجاد الفاظ و لغات واقع شده‌اند توانگر و رسا باشد، نمی‌تواند به‌طور کامل خیالات آدمی و احوال روحیه وی و حتی گاهی احساس او را نسبت به محسوسات ظاهری تعبیر کند. اینکه می‌گوییم فلان زبان رساتر و توانگرتر است، حکم نسبی است. کلام نثری از حیث توانایی بر بیان حقایق بر کلام شعری مقدم است، زیرا دامنه تعبیرش وسیع‌تر و قیود و التزاماتش کمتر است. در قرآن کریم اشارات به زبان بسیار است، از آن جمله، می‌فرماید: «انسان را آفرید و به او بیان آموخت» که مقام زبان و بیان را بلافاصله پس از مقام آفرینش جای می‌دهد. غرض از تمهید مقدمه بیان اهمیت زبان بود که تا درجه‌ای است که آن را شاخص و مقوم نوع انسان از سایر انواع آفریده‌ای

جان‌دار قرار داده‌اند و همین‌طور زبان هر قومی را مشخص و ممیز آن قوم از ملل و اقوام دیگر شمرده‌اند. قوم ایرانی و ژاپونی و آلمانی یا انگلیسی هم اگر هر یک زبان خاص خود را حفظ نکرده و محترم نمی‌شمردند، ایرانی و ژاپونی و آلمانی و انگلیسی نبودند. باید زبان را محترم شمرد. این نکته را نیز از نظر نباید دور کرد که در کار زبان، به‌خصوص راه افراط و عجله و شتاب نباید پیمود و اصلاحاتی که می‌شود تدریجی باشد. آمیزش اقوام و ملل با یکدیگر از اول تاریخ موجب آمیزش به زبان‌ها شده، چنانکه هیچ زبانی نیست که به بساطت و سادگی اولیه خود مانده باشد. باید اهتمام هر قومی بر آن باشد که این آمیزش از حد ضرورت و صلاح تجاوز نکند. اما اینکه در این عقیده افراط کنیم که هیچ اختلاط و امتزاجی واقع نشود، علاوه بر اینکه کاری نشدنی است، برخلاف صلاح و صواب نیز هست، زیرا مانع ترقی است. به عقیده بنده هر اصلاحی می‌شود باید طوری شود که ما اتصال خودمان را با تاریخ ادبی و ملی خود قطع نکنیم. همه در این اتفاق داریم که لغات عربی غیرلازم را نباید استعمال کنیم و هرچه ممکن است از لغات فارسی زنده کنیم. اما باید این را هم بدانیم که هرچند لغت یونانی قدیم و لاتینی و پهلوی و اوستایی و سانسکریت همه زبان‌های مرده هستند، اما از یونانی و لاتینی کتاب‌ها و آثار و فرهنگ‌هایی که در صحت آنها شبهه نیست هنوز برجای مانده، اما جای افسوس است که از زبان‌های قدیم ما آثار زیادی که صحت انتساب آنها به قدیم مسلم باشد در دست نیست. قسمت زیادی از دقایق و نکات این زبان‌های قدیم بر مستشرقین اروپایی نیز نامعلوم است که نسبت به آنها حدس زده و احتمالاتی داده‌اند و درست نیست که عین آن حدس‌ها را مأخذ ساختن لغت قرار بدهیم. عیبی که در زبان ما پیدا شده نه تنها این است که مقداری از لغات تازی با اینکه معادل‌های خوش‌آهنگ پارسی برای آنها داشته‌ایم بی‌ضرورت و برای اظهار فضیلت در زبان خود داخل کرده‌ایم، عیب بزرگتر این است که به لغات مفرده قناعت نکرده، ترکیبات و جملات بیگانه را، بسیار مانند لهذا و لذا و لوفرض و لابد و امثال آنها را نیز در نوشتن و گفتن به کار می‌بریم. کلمات عربی را با جمع‌های عربی و گاهی با جمع‌های غلط و خلاف قیاس عربی استعمال می‌کنیم.

اگر آثار و زحمات قبل از فردوسی را مقدمات و مژده‌های جان‌گرفتن زبان فرض کنیم،

ظهور فردوسی و پیدایش کتاب شاهنامه را رستاخیز حقیقی زبان باید دانست. چون جنبش سیاسی و جنبش زبان در ایران شروع شد، علمای پارسی‌زبان ما نیز که هنوز زبان تازی را مانند زبان خود یا بهتر می‌دانستند، مانند فارابی و ابوعلی و دیگران، تصنیفات خود را بیشتر به زبان تازی نوشتند. اما به حکم آنکه همیشه ضرورتی را که طبیعت ایجاد می‌کند، نادانی اشخاص به حد مبالغه و گراف می‌رساند، جماعتی به کار بردن لغات تازی را نوعی از مسابقه ادبی دانسته و در آن راه مبالغه پیمودند و نتیجه احوال این شد که رفته‌رفته کتاب‌های ما از تاریخ و ادبیات و جز آنها چنان به لغات تازی آکنده و آمیخته شده بود که فهم آنها برای اشخاص دانشمند نیز خالی از اشکال نبود.

امروز همچنان به لغات تازه نیازمند هستیم. اکنون نظر به آسانی مرادوات و آشنا شدن هموطن‌های ما با زبان‌های علمی اروپا، راه زبان ما را برای ورود لغات اروپایی باز گذاشته و از هجوم روزافزون آنها زحمتی تازه آغاز شده است. پس، از این رو، چند وظیفه مهم برای پارسی‌زبانان پیش آمده است؛ اول آنکه زبان خود را از خوش‌نشینی لغات تازی که به واسطه افراط بعضی نویسندگان در استعمال لغات تازی به کار رفته است بپردازیم و از افراط و مبالغه که در استعمال لغت‌های تازی از سده ششم و هفتم آغاز شده، احتراز کنیم. دوم؛ اصطلاحات مستحدث و تازه که بیشتر آنها اصطلاحات علمی هستند و بیشتر آنها عربی جدید است، هر جا و برای هر کدام معادل فارسی یافتیم یا از ریشه‌های فارسی ترکیب مناسبی ممکن بود، اصطلاح بیگانه را ترک کنیم و هر جا ناگزیر ماندیم، اصطلاح فعلی را مخصوصاً اگر رواج کامل یافته به جای خود نگاه داریم و هر گاه چنین اصطلاحی نداشتیم، از ریشه‌های پارسی اصطلاحی جدید با دستوری که قبلاً مورد دقت و مطالعه واقع شده باشد، بسازیم و اگر این تدبیر نیز میسر نگشت، از همان مبادی که کشورهای ابداع‌کننده لغت اصطلاح جدیدی را گرفته‌اند، ما نیز با تغییری که مناسب زبان ما است، مأخوذ کنیم. اما سوم، برای لغات و اصطلاحات جدید تدبیر چه خواهد بود؟ بدیهی است توانگرترین زبان‌های امروزی به‌تنهایی سرمایه و ذخیره نام‌گذاری اصطلاحاتی را که به نظر بی‌نهایت می‌آیند ندارند. زبان فارسی جدید نیز مشکل است به‌تنهایی بتواند موادی برای رفع احتیاجات لغات علمی جدید تهیه



کند. بهتر و مناسب‌تر است که تا جایی که ممکن باشد، از لغات زبان‌های کهنه که با ما مناسبات بیشتری دارند استفاده کنیم و هر جا که استفاده ممکن نباشد، به قبول اصطلاحات خارجی با شرایط مخصوص و تغییرات مناسب متوسل شویم. البته ارباب علم و دانش و آموزگاران پارسی‌زبان علوم جدید وظیفه‌دار هستند لغات و اصطلاحات دانشی را بیابند و به فرهنگستان پیشنهاد کنند. برای نیک‌انجامی عرایضم یک صفحه از سفرنامه ناصر خسرو و حکایت‌هایی از چهار مقاله نظامی عروضی و گلستان شیخ سعدی به عرض می‌رسانم تا تطور نثر پارسی در قرب سیصدسال کم یا بیش بر آقایان معلوم گردد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، اصلاح زبان، زبان علمی، زبان عربی

۴) ادری، ضیاء‌الدین [۱۳۲۰]، «لغات غلط فرهنگستان»، ارمغان، س ۲۲، ش ۸-۹، صص ۴۰۶ - ۴۰۸.

خدمت استاد محترم آقای وحید دامت افاداته،

در این دو نمره اخیر مجله ارمغان دیدم که در خصوص لغات جدیدالولاده مجعول چیزی مرقوم فرموده بودید، فوق‌العاده خرسند شدم. نگارنده هم به سهم خود در خصوص لغت عربی که اصلاً غلط معنی کرده‌اند مقداری از باب نمونه می‌نویسم:

در بخشنامه مورخه ۲۱-۲-۱۳۱۹ راجع به لغات اصطلاحات طبی که در فرهنگستان برگزیده شده چنین می‌نویسد: نام فارسی: مهره‌های پشت، نام عربی: فقرات ظهری. ظهر به معنی تمام پشت است، باید گفت «صُلبی»، زیرا که صُلب استخوان پشت [و] دارای فقرات است، نه مطلق پشت. پس فقرات ظهری غلط است.

«نام فارسی: مهره‌های کمر، نام عربی: فقرات قطنی» این هر دو جمله غلط است. اولاً که قطن میان دو سرین را گویند و ثانیاً کمر در فارسی میان را گویند و دارای فقرات نیست. «نام فارسی: درشت‌نی و نازک‌نی، نام عربی: قصبه کبری و قصبه صغری». لغت کبری که به معنی بزرگ است، درشت معنا کرده و صغری که به معنی کوچک است، نازک، آن هم به فارسی دیمی، نه فارسی معمولی، مگر آن که بگوید به رویه اهل شمال رفتار کرده که صفت را بر موصوف مقدم می‌دارند.

در شماره ۲۵ می‌نویسد «نام فارسی: غوزک، نام عربی: قوزک» درحالی‌که نه غوزک یقین فارسی است و نه قوزک عربی، گویا قوزک ترکی باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، واژه‌های پزشکی، نظرخواهی

(۵) [وحید دستگردی، حسن] (۱۳۲۰)، «زبان فارسی را دریابید»، ارمغان، س ۲۲، ش ۱۰، صص ۴۷۳ - ۴۷۸.

حضرت آقای فروغی، حضرت آقای تدین

شما بهتر از همه کس می‌دانید که اساتید سخن فارسی در راه تکمیل و تأسیس این زبان چه زحمات کشیده‌اند. از دوره قائم‌مقام و امین‌الدوله و علی‌آبادی که منشآت آنان در کتابخانه اهل ذوق و ادب یادگاری است بس شیوا، هنوز چندی نگذشته که ناگهان معدودی به نام اعضای فرهنگستان!! در گوشه‌ای جمع و عکس‌العمل آن عصر بلاغت و دوره فصاحت را به وجود آوردند. اکنون چند فقره از انشاهای ترکیبات فرهنگستان را هم که از طرف دوائر دولتی باعث دردسر عموم شده برای مقایسه می‌نگاریم: در اولتیماتوم بانکی می‌نگارد: «یادآوری می‌نماید که طبق ماده ۲۰ شرایط همگانی این بانک نسبت قسط عقب‌افتاده تا تاریخ بهره دیرکرد از قرار صدی ۱۲ در سال به حساب بدهکار شما محسوب الخ». البته فهم این عبارات با اهل زبان است و فارسی‌زبانان از درک معنی این جمل «بهره دیرکرد» و «بدهکار شما» عاجزند.

کتابی که به نام واژه‌های نو از طرف فرهنگستان منتشر شده تمام لغاتش از اول تا آخر غلط و بیهوده است. جمله «ستاد ارتش» یعنی چه؟ امیدواریم که عمارت فرهنگستان به زودی کتابخانه ملی مسجد سپهسالار شود و کتب نفیس گرانبهای صحیح به جای «واژه‌های نو» غلط مستقر گردد و نموداری هم از واژه‌ها و ترکیبات نو را به یادگار فرهنگستان در یک قفسه مخصوص گذاشته تا ابد عبرت ناظرین قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، واژه‌های اقتصاد، نظرخواهی

۶] رضازاده شفق، صادق] (۱۳۲۰)، «زبان فرهنگستان»، ارمغان، س ۲۲، ش ۱۰، صص ۴۸۴-۴۸۷.

آقای مدیر دانشمند ارمغان را پس از درود مصدع است:

در باب بعضی تندروی‌ها یا بی‌دقتی‌ها که در فرهنگستان روی داده، اینجانب آشکارا اظهار نظر کرده‌ام و اکنون مقتضی نمی‌دانم رایج بازار حرف بزیم، فقط به نظر رسید از اظهار [این] ملاحظه خودداری نکنم: در کتاب آمار آقای دکتر افضل‌پور واژه‌های تازه یا نسنجیده زیاد است و برخی از آن را خود ایشان بدون دخالت فرهنگستان به کار برده‌اند. شاید می‌توان به جای برخی از آن کلمات فارسی بهتر و رساتر و درست‌تر پیدا نمود، با تمام این اعترافات نباید به مجرد اینکه جمله‌های ایشان را نمی‌شود فهمید مورد اعتراض قرار داد. علم آمار نه تنها در منظومه علوم ما بلکه در مغرب زمین هم تازگی دارد. این علم هم مانند علوم دیگر اصطلاحات خاص فنی دارد و باید مقابل فارسی برای آن اصطلاحات پیدا نمود. اصطلاحات فنی را در هر زبان باشد همه کس نمی‌فهمد. علم آمار را با کلمات حافظ و سعدی یا وصاف و مرزبان‌نامه نمی‌توان ادا کرد. علوم تازه اصطلاحات لازم دارد و باید تهیه گردد و اگر بر فرض بخواهیم عین هزارها اصطلاح خارجی را به کار ببریم، در آن صورت باید زبان فارسی را ترک کرده به زبان بیگانه چیز بنویسیم. در گذشته نیز ایرانیان برای علوم اصطلاحات پیدا نمودند، نهایت چون اغلب علوم آن زمان مانند فلسفه و علوم دینی و ادبی به زبان عربی بود و آن زمان هم با فارسی اختلاط پیدا کرده بود، از آن زبان گرفتند. آن اصطلاحات را هم غیر اهل فن حتی اشخاص فاضل باسواد نمی‌فهمند، مثلاً اصطلاحات «نصاب»، «ارتماس» و «مسافاه» در فقه. باز اینها اصطلاحات علوم است، عجب آنکه برخی متظاهران و عبارت‌پردازان در اغلب موارد کلمات بی‌لزومی را محض فصاحت‌مآبی و فضیلت‌انتسابی در نوشته‌های ادبی به کار بردند و کار را به جایی رساندند که الحق خود عرب‌ها از فهمیدن آن عاجز ماندند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، واژه‌گزینی، نظرخواهی

(۷) [اقبال آشتیانی، عباس] (۱۳۲۳)، «کتاب درسی و لغت‌سازی»، یادگار، س ۱، ش ۶، صص ۱-۶.

وزارت فرهنگ دستور یا به اصطلاح فرهنگستان بخشنامه‌ای به امضای آقای دکتر صدیق، وزیر فرهنگ، صادر کرده در باب لغات ریاضی که در کتاب درسی جدید وارد شده و باعث اشکال در فهم مطالب و هرج‌ومرج در کار تدریس شده است. پس از ده سال تیشه زدن به ریشه زبان، فرهنگستان اجازه می‌دهد لغات و اصطلاحاتی که سابقه در زبان فارسی دارد، کمافی‌السابق استعمال شود و به این ترتیب، بدون اینکه اقرار کند، توبه می‌کند. اما در این بخشنامه از معلمین دعوت شده به فهرست‌های رسمی لغات مصوب فرهنگستان رجوع کنند و از استعمال آموختن معادل‌هایی که از مصوبات فرهنگستان نیست، خودداری کنند. دلیل این کار چیست؟ اگر استعمال لغات قیاسی است که هر کس حق دارد لغت بسازد. اما لغت‌ها قیاسی نیستند، علمای لغت گفته‌اند که لغات توقیفی و موروثی است و استعمال عامی و حسن قبول خواص اهل ادب از همین استعمالات عامه و ذوق زمان به یک لغت حق حیات و جواز آزادی استعمال می‌دهد. در این بخشنامه آمده است که لازم است در سال تحصیلی جاری (۱۳۲۳-۱۳۲۴) کلیه معادل‌های مصوب فرهنگستان در مورد علوم ریاضی با اشاره به لغات معمول سابق به کار رود، مثلاً هنگام تدریس مبحث «افزایش» یادآوری نمایند که کلمه «جمع» را نیز می‌توان به کار برد. گذشته از اینکه کلمه افزایش که مشتق مصوب فرهنگستان است، به هیچ وجه معنی جمع را در مورد آن عمل حساب نمی‌رساند، ساخته فرهنگستان نیست و در عهد ساسانی عمل جمع و تفریق حسابی را به نام «کاست و افزون» خوانده‌اند، ولی با انقراض دولت ساسانی از میان رفته و هیچکس بعدها آن را استعمال نکرده است. وقتی که ما از حدود سال ۱۳۱۲ می‌دیدیم که از کارخانه لغت‌سازی اتاق وزیر معارف وقت اصطلاحاتی نظیر دانشگاه و دانشکده و دانش‌سرا و دانشیار و دبیر و دفترخانه و فرهنگ و غیرها بیرون می‌آید و ما با تمام قوا از پیشرفت این جنایت ادبی جلوگیری می‌کردیم، عاقبت سوء این بدعت را می‌دانستیم. نونهالان ما که حالیه در مدارس در فهم این لغات و اصطلاحات عاجز می‌مانند، باید از جان و دل به کسانی که اول بار این راه را باز کرده‌اند نفرین و لعنت بفرستند. و معلمین و آموزگاران محترمی را که از هر کس بیشتر به رشد و نمو نونهالان زیر دست خود علاقه دارند، سوگند می‌دهیم که از استعمال کلیه لغات و اصطلاحاتی که فرهنگستان تصویب کرده، خودداری بفرمایند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، واژه‌گزینی، نظرخواهی، واژه‌های ریاضی، آموزش و پرورش